



دیدار مهم شرقی

دیدار «جیانگ زمین» رئیس جمهور چین از ایران پس از دیدار سال ۱۹۷۷ «هاوکونگ» دبیرکل حزب کمونیست چین، عالی‌ترین سطح دیدار مقامات این کشور از کشور ما محسوب می‌شود. از سوی دیگر اگر بخواهیم موضوع را در مقیاس جهانی ببینیم، درخواستی یافت که این اولین بار است که عالی‌ترین مقام کشوری در این سطح از قدرت و نفوذ بین‌المللی به ایران پس از انقلاب اسلامی سفر می‌کند. چین، پرجمعیت‌ترین کشور دنیا، ازدهای زردی است که پایان خواب زمستانی او معادلات جهان را در هم ریخته و در موضعی از قدرت قرار گرفته که تمام جهان به اتحاد استراتژیک با او می‌اندیشد.

چین همان کشوری است که دو سال پیش در یک مناقشه دریایی با تهدید علنی، یک ناو جنگی ایالات متحده آمریکا را وادار به خروج از دریای چین نمود و به یاد بدرت نظامی پایان قرن بیستم آورد که قدرت بلامنازع او رقیب پیدا کرده است. چندی بعد نیز در آغاز هزاره سوم وقتی یک هواپیمای جاسوسی آمریکا مجبور به فرود اضطراری در خاک چین شد، تا عذرخواهی آمریکا را دریافت نکرده، از آزادی هواپیما و سرنشینان آن خودداری کرد و آمریکا در حالی که از طریق ماهواره‌های جاسوسی خود شاهد تلاش چینی‌ها برای شناسایی تکنولوژی هواپیما بود کاملاً احساس می‌کرد کاری از دستش بر نمی‌آید.

جیانگ زمین، آخرین بازمانده نسل رهبران همراه مانو و دنگ شیائوپینگ است که قصد دارد فضای زندگی مردم چین را تغییر دهد؛ تغییری که بیش از هر چیز فضای اجتماعی این جامعه گسترده را در بر می‌گیرد. فضای اجتماعی تعجب آوری که نمونه آن در تمدن شرقی دیده نمی‌شود و آنان که تجربه میدان «تیان آن من» را تجربه‌ای مفید! بر می‌شمارند نقش آن نوع تحولات را در از سر گذراندن «واقعه تیان آن من» تعمداً مورد غفلت قرار می‌دهند.

چین شریک بزرگ تجاری ایران، کشوری است که تلاش دارد در همه حوزه‌ها جای نیازهای تکنولوژیک کشورهایی نظیر ایران را بگیرد، کشورهای متمولی که به دلیل مسائل سیاسی، تعامل با چین را جایگزین تعامل با آمریکا، اروپا و ژاپن نموده‌اند. شاید بتوان گفت روند رو به گسترش روابط اقتصادی با چین آن چنان که تاکنون بوده چندان سختی با همراهی‌های سیاسی نداشته است و هر دو کشور در جست و جوی فرصت‌هایی برای خود آن را تعقیب کرده‌اند. رهبر چین در پی نشان دادن جهان شمول بودن حوزه عمل خود به سفرهای دوره‌ای می‌رود (آنچنان که در این سفر ابتدا به لیبی، نیجریه و تونس رفت) و طرف مقابل نیز با پرداختن به اهمیت سیاسی این سفر وجود گزینه‌های جدید را به یاد دیگر کشورها می‌آورد.

در ایران، دوری گزیدن‌های روسیه که در ماه‌های اخیر به‌طور آشکاری مورد توجه قرار گرفته، به افزودن بر اهمیت سیاسی سفر «زمین» کمک کرده است. یک روزنامه‌نگار در این مورد با اشاره به مواضع اخیر روسیه می‌نویسد: «روسیه برای تبدیل شدن به یک شریک استراتژیک و اقاعاً دارای تقابلی است که فعلاً امکان تکیه بر مناسبات با آن کشور نه تنها از طرف ایران بلکه از سوی دیگر کشورهای جهان سوم هم محل تامل است... سیاستمداران ایرانی باید در رقابت‌های موجود طعم عقب افتادن روسیه را به دولتمردان آن کشور بچشانند تا به مجرد وزیدن یک باد به ظاهر پرمنفعت، منافع درازمدت دو کشور را تا این حد نتزل ندهند. در بازی پرشتاب کنونی امکان ارتقای جایگاه چین چه از حیث اقتصادی و چه از نظر سیاسی چنان مستعد است که ممکن است به بیداری کرملین نشینان نیز کمک کند.» هرچند که رهبر چین نیز ملاحظاتی سیاسی خود با دیگر کشورها را ندیده نگرفت و با تفکیک سفر چهار روزه خود به دو قسمت دو روزه سعی کرد یک شریک تاریخی نیز برای اهداف اقتصادی و سیاسی خود دست و پا کند، جیانگ زمین در روز اول سفر خود را به بازدید از آثار تمدن کهن ایرانی پرداخت و در گرفتن عکس‌های یادگاری نیز خست به خرج نداد.

این همان چیزی است که اگر بخواهیم طبق معمول با تاخیر تاریخی به آن نسیم باید اکنون مورد توجه قرار دهیم. هر چندکه وقت برنامه ریزی برای استفاده از فرصت است اما نباید دچار ساده‌انگاری شویم، آن‌چنان که یک روزنامه‌نگار می‌گوید «چین هیچ‌گاه روابط خود با آمریکا را فدای روابط خود با ایران نخواهد کرد.» دقت در چنین تعبیری را وقتی که در کنار شنیده‌های وزیر خارجه و هیات ایرانی از «پوتین» در دیدار اخیرشان قرار گیرد می‌تواند به واقع‌گرایی بیشتر ما کمک کند.

باز هم ایران و آمریکا

در هفته گذشته اخبار متفاوتی پیرامون موضوع ایران و آمریکا در فضای خبری کشور منتشر شد. اخبار منتشر شده در کنار شایعاتی که بعضی تکذیب و بعضی تکذیب نشد، با مجموعه فضای خبری این هفته حجم قابل توجهی داشت. برکناری معاون کلیدی وزیر خارجه - فردی که فراتر از روابط خانوادگی بسیار نزدیک خود همیشه عضو ثابت تیم کاری خرازی بوده است- آن چنان تعجب انگیز بود که همگان به دنبال دلیل قطعی برای آن گردند و شایعه ارتباط آن با یک موضوع مهم نظیر «مذاکره با آمریکا» می‌تواند یک گزینه تلقی شود، چیزی که توسط سخنگوی وزارت خارجه تکذیب شد.

سخنگوی وزارت خارجه این موضوع را تکذیب کرد، اما نگفت که چرا صادق خرازی برکنار شده است. اصغی چون بسیاری از مدیران که ناچار به دفاع از مجموعه کاری خود هستند، اما قادر به ذکر همه دلایل تصمیمات مجموعه نیستند- و یا حتی خود نیز از دلایل مطلع نیستند - تصور می‌کرد سوالات خبرنگاران پاسخ گرفته است. همچنان که سخنگوی دولت نیز برکناری معاون وزیر خارجه را عادی خواند و تصور می‌نمود برای کسانی که ۲۰ سال گذشته صادق خرازی را در کنار کمال خرازی دیده‌اند - در ستاد تبلیغات جنگ، در خیرگزاری جمهوری اسلامی و در وزارت خارجه - موضوع تمام‌شده تلقی می‌شود.

موضوعی که دیگر «قبرس گیت» نامیده می‌شود، پس از حدود دو ماه نه تکذیب شده، نه تشریح شده و نه فراموش می‌شود و از قضا همه گروه‌ها - حتی از منظر رقابت سیاسی - نیز به آن می‌پردازند. حتی در پایان هفته

امریکا در مورد اجازه شکایت گروگان‌ها از گروگان‌گیران تصویب کرده و حتی قانون تصویری مخصوص کنگره در رابطه با گروگان‌های آمریکایی در ایران برای نادیده گرفتن قرارداد ۱۹۸۱ الجزایر کافی نیست.» این حکم زمانی صادر شد که وزارت دادگستری آمریکانیز در مقابل گروگان‌ها موضع گرفت و به نمایندگی از دولت آمریکا با اشاره به مسائل امنیت ملی از محترم شمردن قراردادهای آمریکا با دولت‌های خارجی حمایت کرده و تخطی از آن را صلاح ندانست. این حکم راه را بر ادعاهایی علیه ایران بست که پیشتر نمونه‌های مشابه آن در چند دادگاه آمریکا با محکومیت ایران به پرداخت صدها میلیون دلار پایان یافته بود.

خبر دوم بازگشت دکتر ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی از سفر یک و نیم‌ساله به آمریکا بود.

بازیهای جدید در راه است؟

دکتر ابراهیم یزدی که در اوان پیروزی انقلاب

یزدی در حالی به کشور بازگشت که یک روز قبل آخرین فرد زندانی از گروه ملی مذهبی‌ها - تقی‌رحمانی - هم آزاد شده بود و یزدی تنها چهره‌بازداشت نشده آنها محسوب می‌شد؛ در حالی که دادگاه انقلاب در سال گذشته به آن اشاره کرده بود حتی به پیگیری جلب او از سوی «پلیس بین‌الملل» نیز اشاره کرده بود. تبدیل قرار بازداشت آخرین بازمانده گروه ملی‌مذهبی‌ها به قرار وثیقه و ورود بدون مشکل ابراهیم یزدی چیزی بود که از سوی محافل مختلف مورد استقبال قرار گرفت و همزمانی آن با بزرگداشت «پیر» این گروه از سوی قریب به اتفاق شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی فرصتی را برای توصیه به «وفاق» ایجاد کرد.

مورد توجه‌ترین جهت‌گیری در این مورد مخصوص روزنامه رسالت بود. امیر محبیان چهره معروف یادداشت نویسی در روزنامه رسالت او را

روابط اقتصادی با چین

آن چنان که تاکنون بوده

چندان سختی با

همراهی‌های سیاسی

نداشته است و هر دو کشور

در جست و جوی

فرصت‌هایی برای خود

آن را تعقیب کرده‌اند.

رهبر چین در پی نشان دادن

جهان شمول بودن

حوزه عمل خود به

سفرهای دوره‌ای می‌رود و

طرف مقابل نیز با پرداختن

به اهمیت سیاسی این سفر

وجود گزینه‌های جدید را

به یاد دیگر کشورها

می‌آورد

یک هفته با سیاست

«مسول یک گروه سیاسی نامید که التزام به قانون اساسی دارد» که فرصت‌های زیادی را از دست داده است و همواره مجبور شده‌اند در بیرون از زمین به تشویق بازیگرانی بپردازند که خویشتر راسی با کفایت‌تر از آنان می‌شناسند، «نظیر حمایت پر هزینه از جناح دولتی».

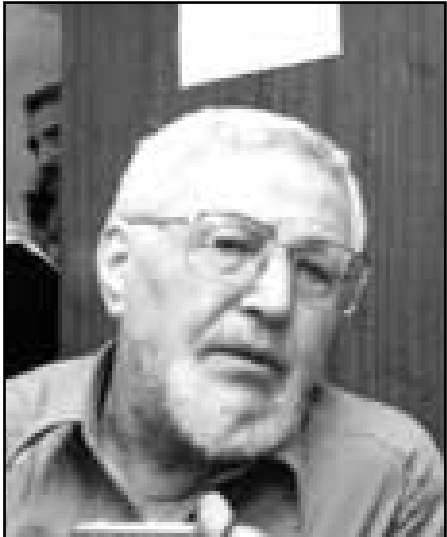
محبیان پیش بینی می‌کند که بعید نیست شاهد تحولی سیاسی در موضع‌گیری‌های یزدی «در یک ماه آینده» باشیم. تحولی که می‌تواند فشار را از دوش هم‌راهانش برداشته و فشارا برای حضورشان به مثابه بازیگرانی قانونی در «آینده‌ای نه چندان دور» مناسب گرداند.

روزنامه رسالت از قول محبیان ادامه می‌دهد:

«در هر حال برآئم که شاید فارغ از پروسه حقوقی پرونده‌های قضایی- که روند طبیعی خود را خواهد داشت - حکم مصلحت و تدبیر آن باشد که قوه قضائیه اجلاس



نتیجه اجلاس خزر در داخل با تفسیرهای متفاوت روبه‌رو شد؛ بعضی‌ها آن را موفقیت خواندند، چون در آنجا تصمیمی اتخاذ نشد که مثلاً خزر را از ایران بگیرند و بعضی آن را شکست خورده نامیدند. اما واقعیت آن است که این اجلاس حتی در حد اعلام توافق بر سر ادامه گفت و گوها هم بیانیه‌ای صادر نکرد. در اینجا نیز بازی به آینده واگذاشته شده و البته چیزی از نگرانی‌ها نکاسته است. دستور پوتین برای انجام مانور نظامی نیروهای آن کشور در دریای خزر که برای تابستان آینده پیش‌بینی شده در زمره اخباری است که به نگرانی‌ها دامن می‌زند



فرصت تامل بیشتری در آزمون برای این «بازاندیشی» بسیار حساس و سرنوشت‌ساز در اختیار دکتر یزدی و دوستان وی قرار دهد، زیرا هدف نهایی، ایجاد محیطی مناسب برای «وفاق ملی» است و دکتر یزدی اکنون در برابر نقطه عطف مهمی از زندگی سیاسی خود قرار گرفته است. در این راستا، نه شایسته است به «خوش‌بینی مغرط» دچار گردیم و نه «بدبینی افراطی». فقط منتظر آینده باشیم و بس، بازی‌های جدیدی در راه است.»

مقایسه این موضع‌گیری عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت با فضای تبلیغاتی ساخته شده در سال قبل - که رسالت هم در آن نقش فعال داشت - سوال‌هایی ایجاد می‌کند: «آیا آن‌گونه که رسالت می‌نویسد، باید منتظر بازاندیشی در اندیشه دکتر یزدی و دوستانش بود یا در اندیشه رسالتی‌ها و دوستانشان یک بازاندیشی صورت گرفته است؟» و «آیا بازاندیشی مورد نظر که دوستان، سال قبل به انتظار اعلام نشده آن بودند بدان نحو که می‌خواهند قابل حصول خواهد بود؟»، «آیا بازی‌های جدید در راه است؟»

یک روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب در راه بودن بازی‌های جدید را از دیدگاهی گسترده‌تر مورد توجه قرار می‌دهد، او جهان را منتظر بازی‌های جدید می‌داند: «حوادث بزرگ و باورنکردنی که در مدت‌زمان بسیار کوتاهی یکی پس از دیگری چهره می‌نماید و جهانیان را مبهوت می‌سازد، نشانه آشکاری از به‌کار افتادن ماشین یک تحول بزرگ در جهان است. اگر کسی نبض جهان را بگیرد، بعید خواهد بود که متوجه ضربان تند آن نشود، نشانه تب و التهاب از سر و روی دنیا می‌ریزد... همه کمربندها را محکم کرده‌اند، وقوع هر حادثه‌ای با هر مقیاس بزرگی محتمل است... و در این وانفاسی عجیب که هیچ شباهتی به دوران‌های دیگر تاریخ ندارد - جز این که اخبار نگران‌کننده‌ای از آینده به دست می‌دهد - ایران با انبوهی از مشکلات و مسائل و بحران‌ها و ظرفیت‌ها و فرصت‌ها در وسط معرکه جهانی ایستاده است.»

در کنار این وقایع تصویر صحنه‌ای از مراسم بزرگداشت دکتر پدالله سبحانی در دانشگاه تهران منتشر شد که رئیس فراکسیون اقلیت مجلس در کنار یک چهره محافظه‌کار دیگر را نشان می‌داد که در مقابل دو تن از براندازان سابق چهره‌ای کاملاً دوستانه و متواضعانه نشان می‌دادند.

بازی‌های جدیدی در راه است، اما آیا می‌توان امید داشت جناح‌های سیاسی و مسولان امور، با محاسبه صحیح رفتاری متمایز از گذشته نشان دهند؟ صاحب‌نظران تجربه گذشته را موجب نگرانی آینده می‌دانند. مبادا اولویت یافتن بازی‌گیری‌ها و رهااندن خود از معرکه‌ها- به ویژه معرکه‌های خود ساخته توسط بعضی گروه‌های سیاسی- در کنار گوش نسپردن به واقعیت‌های اظهار شده از سوی داناتان دلسوز هزینه‌های بی‌فایده گذشته را تکرار کند.

عناصر و رسانه‌های جناح راست در کنار چنین توصیه‌هایی به قوه قضائیه برای فرصت دادن به گروهی برانداز! فشار تبلیغاتی خود را برای فعال ساختن قوه قضائیه در رسیدگی به پرونده‌هایی قرار داده‌اند که بعید است چیزی به اسم «وفاق» از میان آن‌برون آید.

اجلاس خزر، گام نهادن بر روی تیغ

در میان بحران‌های بسیار سیاست و در میان ابراز نگرانی‌های بی‌پاسخ رسانه‌ها و صاحب‌نظران در مورد احتمال تضییع حقوق ایران در دریای خزر، خاتمی‌عازم عشق آباد شد تا همراه چهار رئیس جمهور دیگر از کشورهای روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان اجلاس سران کشورهای حاشیه خزر را تشکیل دهند. اجلاسی که تشکیل آن خود به یک فرآیند طولانی تبدیل شده بود.

اخباری که منتشر شده حاکی از آن است که این اجلاس به اعلام مواضع گذشته است. هر چند که نتایج مختصری نیز به عنوان حاصل این اجلاس اعلام شده است. دو جمله که از قول بعضی شرکت‌کنندگان در اجلاس اعلام شد بالاترین نتایج به دست آمده محسوب می‌شود: «پرهیز از نظامی‌گری در خزر و ادامه گفت و گوها». گفته می‌شود اجلاس بعدی یک سال دیگر در ایران برگزار خواهد شد.

سوی‌خبر مهمی که در مورد ترک اجلاس عشق آباد از سوی خاتمی- به دلیل دردکمر- منتشر شد و بازتاب بسیار یافت و بعد هم تکذیب شد، خبر بااهمیت دیگری نیز انتشار یافت و آن اعلام موضع ایران در مورد سهم خواهی بیست درصدی بود. گفته می‌شود خاتمی یک بار دیگر در جلسه هیات دولت با انتقاد از کسانی که «توقع مردم را بالا می‌برند» موضع ایران را تلویحاً مشخص کرده بود، هر چند که اخبار مذاکرات هیات دولت معمولاً اعلام نمی‌شود و در این مورد نیز اعلام نشد.

نتیجه اجلاس خزر در داخل با تفسیرهای متفاوت روبه‌رو شد؛ بعضی‌ها آن را موفقیت خواندند، چون در آنجا تصمیمی اتخاذ نشد که مثلاً خزر را از ایران بگیرند و بعضی آن را شکست خورده نامیدند. اما واقعیت آن است که این اجلاس حتی در حد اعلام توافق بر سر ادامه گفت و گوها هم بیانیه‌ای صادر نکرد. در اینجا نیز بازی به آینده واگذاشته شده و البته چیزی از نگرانی‌ها نکاسته است. دستور پوتین برای انجام مانور نظامی نیروهای آن کشور در دریای خزر که برای تابستان آینده پیش‌بینی شده در زمره اخباری است که به نگرانی‌ها دامن می‌زند